

در این شماره می خوانید:

۲ تدوین منظومه مبانی پارادایمی
تفسیر پیشرفت

۵ رویکرد فلسفه فقهی در آموزه‌های
سوره بقره

۸ الگوی مدیریت سرمایه مدنی با
سوره انفال

۱۱ حج و آهنگ سبک زندگی اجتماعی

۱۳ پژوهش برنامه‌ای در نظام تنزیل

۱۶ بررسی موضوع «حق بر توسعه»



خبرنامه داخلی
مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هفتم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۸

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

رخداد اصلی گام آغازین انقلاب اسلامی ایران و البته مغفول در نزد نوع نخبگان اندیشه‌ای و حاکمیتی، ظهور خاستگاه فلسفه دینی جنبش ممکن مدنی - تمدنی جهان نص در عصر مدرن و پسامدرن است. همانگونه که برآمدن جنبش معرفت شناخت یا فلسفه مضاف معرفتی در حال شکل گیری در این اقلیم نیز، چندان خودآگاه دو صف یاد شده نخبگانی نیست. طرح الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی نیز همچنان بیگانه به این دو رخداد پارادایمی مقوم تحول نیز بی ریشه‌ها لازم پی گرفته می شود. مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) خودآگاه این اتفاق آغازین و این اتفاق پیش روست و به روش شناسی پرداخت آن اندیشه مرجع اهتمام دارد. گزارش تیرماه مؤسسه، گزارشی از این نمونه نگرش مرجعی است که دستاوردهای متنوع خود را در نظامات پژوهشی پیشرفت در وسع این گام از گزارش تصویر می کند.

ساختار هفت گروهی مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) ساختاری رفت و شدی است. بدین روی همواره، گروه های پژوهشی یاد شده در این رویکرد پیش رونده و بازخورنده، با یکدیگر طرح مسأله و منطق تحلیل دارند:

۱- در گروه مطالعات نظری و تحقیقات مبنایی و در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، تدوین منظومه پارادایمی تفسیر پیشرفت شبات ملحوظ نظر است.

۲- در پردازش حیث استنادی این اندیشه مرجع به متن نص در گروه پژوهش قرآن کریم و سنت اوصیایی، رویکرد فلسفه فقهی در آموزه های سوره بقره به معرض آمده است؛

۳- در فرآوری الگوی اخلاق و سبک زندگی یا حیث زیستمانی اندیشه و نظریه پیشنهادی پیشرفت، به مقوله حج و آهنگ سبک زندگی پرداخته می شود؛

۴- در فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت (فقه نظام پیشرفت)، نقد آراء در ساختار پیشنهادی فلسفه اصول و آغاز از مرجعیت دین و چرایی فلسفه اصول، پیش رو می آید

۵- و در سامان دهی الگوی عمل توسعه‌ای آینده نگار راهبردی بر بنیان سامان دانشی سطوح فرآورنده علم در بخش های پیشین، قرارداد ملی پیشرفت مورد بحث قرار می گیرد.

دبیر علمی

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

تدوین منظومه
مبانی پارادایمی
تفسیر پیشرفت
شناخت

بنیان فلسفه دینی، معرفت شناخت و روش شناخت آن کدام است؟

۱- کتاب اول: مبانی فلسفه دینی تفسیر پیشرفت شناخت

کتاب اول از منظومه مبانی پارادایمی نظری و مکتب تفسیر - تفسیری پیشرفت شناخت کتاب «مبانی فلسفه دینی تفسیر پیشرفت شناخت» است تا نشان دهد پژوهش تفسیری پیشرفت شناخت به بنیادی ترین خاستگاه پارادایمی یک نظریه تفسیری نظر افکنده و با تکاپو در سطوح فلسفه دینی و معرفت شناخت، مقتضیات روش شناخت این نظریه و مکتب تفسیری را به گونه‌ای روشن بینانه‌تر و کاربردی‌تر شناسایی و معین شود. نقد جریان‌های تفسیری از چشم انداز این مبانی می‌تواند رهسپار برگزینی نظریه تفسیری پیشرفت شناخت شود. یک نظریه و مکتب تفسیری در اولین زیرساز پارادایمی خود، برآیند و برآمده از بنیان فلسفه دینی مقرر و پذیرفته شده در این نظریه و مکتب است:

- چه تعریفی از دین و منشأ دین و بدینسان، از این چشم‌انداز، چه تعریفی از تفسیر دین

- چه انتظاری از دین و چه نیازی به دین و بدینسان، در برآیند آن دو، چه منظومه مسائلی پیش روی دین، فکر دینی و به این قرار پیش روی اندیشه تفسیری و در این راستا، طرح مسأله پیشرفت به عنوان مسأله مرکزی اندیشه، نظریه و مکتب تفسیری

- وثاقت و حجیت منابع دین موضوع تفسیر
- قلمروی دین، بدینسان، قلمروی فکر تفسیری و در این راستا، قلمروی الگوپردازی دین و بدین روی، گستره پیشرفت‌پژوهی قرآنی و پیشرفت‌پژوهی در سنت اوصیایی و گستره اقتضایی علم دینی
- از حقیقت دین تا تحقق دین در ساحت فکر تفسیری و رهسپاری به ضرورت میانداری تفکر تا مدیریت استراتژیک

- ژرفای زیستمانی

دین تا ساحت ژرفای

نیاز به دین

- زبان دین و تجربه

هرمنوتیک دین و فکر

دینی و رهسپاری به

تجربه هنر

- تاریخ فکر تفسیر از

چشم‌انداز خاستگاه

فلسفه

“

فصل‌های تحلیلی معرفت‌شناسی تفسیر دارای سامانی چهاربخشی است:
۱- فرآیند شکل‌گیری اندیشه پیشرفت شناخت تفسیری و نظام‌شناسی دین
۲- سامانه دانشی پیشرفت شناخت تفسیری
۳- دانش بنیانی الگوی تدبیر توسعه‌ای: نظریه پیشرفت حکمت بنیان و نظام تدبیر مبتنی بر آن (نظام ولایت فقه - فقیه)
۴- نظام سازی توسعه‌ای دین شناخت

”

فصل مبانی پارادایمی تفسیر پیشرفت شناخت، نمونه موضوع و عرصه ای است که در حوزه پژوهش تفسیری برای عرصه مطالعات نظری به میان آمده است.

ظهور علم و دانش مبناهای هست‌ها و بایدها، تکوین و تشریح و بر این مدار، تفسیر و تدبیر تغییر و حیات و کارایی علم و مکتب زیست مرجع در اولین گام و نقطه انعقاد و فرآوری، وام‌دار مبانی نظری، پیش‌فرض‌ها و پارادایم‌های مرجع است. ذهنیت‌هایی که در حوزه نظر نمانده و رهسپار تصور، شعور و فرهنگ مبناهای گرایش، کنش و منش انسانی می‌شوند. از همین روی، نقطه آغازین تفاوت جریان‌های تفسیری در همین ذهنیت مرجع است. مطالعه‌ای میدانی، آشکارگر اولین اصل خودیژگی هر جریان تفسیری به پایه‌های پارادایمی آن جریان تفسیری است که با لحاظ وجوه مشترک قابل شناسایی این مبانی، می‌تواند با پارادایم مرجع در متن قرآن کریم (فلسفه رسالت انبیا)، به محط داوری و نقد بیاید. اولین دستاورد کنفرانس دوم قرآن پژوهی پیشرفت، بازخوانی این مبانی و ارجاع آن‌ها به مبانی فلسفه دینی دین قرآنی، نقد آن‌ها و پی‌افکنی خودآگاه‌تر سرمشق‌های تازه تفکر تفسیری در سه اثر مکتوب علمی است که در کارگروه دبیرخانه کنفرانس دوم قرآن پژوهی پیشرفت در دستور کار قرار گرفته است.

سه کتاب «مبانی فلسفه دینی تفسیر پیشرفت شناخت»، «مبانی معرفت شناختی تفسیر پیشرفت شناخت» و «مبانی روش شناختی تفسیر پیشرفت شناخت» به مبانی تفصیلی پارادایمی نظریه تفسیر به طور خاص در سه عرصه مبانی فلسفه دینی، مبانی معرفت شناختی و مبانی روش شناختی آن می‌پردازد.

معرفت تفسیری و اندیشه تفسیر، بنیان پارادایمی خودویژه‌ای دارد که در دادوستد میان واقعیت‌ها و موقعیت‌های مسأله‌ای و حل مسأله، در ضمن عنوان «نظریه تفسیر» معرفی می‌شود. مسأله و دامنه نظریه، هدایت به رشد و پیشرفت، تلقی می‌شود و بدینسان نظریه تفسیر پیشرفت شناخت در دسترس تحلیل است و جستجوی از مبانی پارادایمی آن، اولویت طرح می‌یابد.

پیشرفت شناخت تفسیری و نظام‌شناسی دین
۲- سامانه دانشی پیشرفت شناخت تفسیری
۳- دانش بنیانی الگوی تدبیر توسعه‌ای:
نظریه پیشرفت حکمت بنیان و نظام تدبیر
مبتنی بر آن (نظام ولایت فقه - فقیه)
۴- نظام سازی توسعه‌ای دین شناخت

مرجعیت دین برای انسان و جامعه مخاطب
از مجرای خاستگاه فلسفه دینی فکر دینی،
دامنه و ژرفای خودویژه‌ای برای معرفت دینی
(اندیشه و آنگاه دانش دینی) رقم می‌زند
و اولین فصل پارادایمی چرایی معرفت را
توضیح می‌دهد. به سخن ملموس‌تر، با توقع
پاسخگویی دین به مسأله خواهانی معنا برای
زندگی، خواهانی پیشرفت، خواهانی تجربه
عارفانه، خواهانی تنظیم آداب عمل، خواهانی
تدبیر امر سیاسی و یا امر اقتصادی و مانند آن،
فصل معینی برای معرفت حاصل و محصول
پاسخ دهی به آن مسائل، ایجاد می‌شود. دامنه
نظام مسائل، چستی مسائل و ژرفای مسائل
در فرازی از عرصه های شناخت دینی که
شکل دهنده حوزه‌های گوناگون دانش دینی و
اندیشه مرجع آنهاست، در آن گام خاستگاهی
فلسفه دین شکل می‌گیرد. با این گام فلسفه
دینی، معرفت‌شناسی مرجع، هویت آغازین
خویش را گرفته و در دو گام شکل‌گیری اندیشه

مبنا تا دانش مرجع و نیز، ساحت‌های دانشی درون دینی و ساخت
نظام واره جامع آنها بر مدار آن اندیشه مبنا، از مجرای مبانی عام
معرفت‌شناسی تا فلسفه هر علم تا روانشناسی و جامعه‌شناسی هر
علم، تاریخ آن علم و روش‌شناسی عام و آن علم، توسعه ساختاری
می‌یابد. کتاب پیش رو در گام معرفت‌شناسی عام، از آن اقتضانات
نهایی فلسفه دینی می‌آغازد و اندیشه مرجع پیشرفت را به تفصیل
می‌آورد و به تفقه قرآنی در دین تعریف می‌کند و رهسپار لایه‌های
دیگر معرفت‌شناسی دینی می‌شود.

۳- کتاب سوم: فراروش (روش در روش) در تفسیر پیشرفت
شناخت

کتاب پیش رو، سومین این مجموعه و در راستای بسط نظریه و
مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت به سامان آمده است. روش‌شناسی
عضوی از نظام جامع معرفت‌شناسی همراه با مبانی معرفت‌شناسی
عام، مبانی خاص فلسفه علوم و معارف درون دینی و بیرون دینی،
مبانی روان‌شناسی علم، جامعه‌شناسی علم و تاریخ علم، در بنیان
پارادایمی الگوی پیشرفت جای دارد. این مسأله خود بخش به سه
سطح مسأله می‌شود:

۱- اساس فلسفه روش تحقیق و پژوهش تفسیری مسأله محور

“

ظهور علم و دانش مبنای هست‌ها
و بایدها، تکوین و تشریح و بر این
مدار، تفسیر و تدبیر تغییر و حیات
و کارایی علم و مکتب زیست
مرجع در اولین گام و نقطه انعقاد
و فرآوری، وام‌دار مبانی نظری،
پیش‌فرض‌ها و پارادایم‌های مرجع
است. ذهنیت‌هایی که در حوزه نظر
نمانده و رهسپار تصور، شعور و
فرهنگ مبنای گرایش، کنش و منش
انسانی می‌شوند. از همین روی،
نقطه آغازین تفاوت جریان‌های
تفسیری در همین ذهنیت مرجع
است. مطالعه‌ای میدانی، آشکارگر
اولین اصل خودویژگی هر جریان
تفسیری به پایه‌های پارادایمی آن
جریان تفسیری است که با لحاظ
وجوه مشترک قابل شناسایی این
مبانی، می‌تواند با پارادایم مرجع
در متن قرآن کریم (فلسفه رسالت
انبیا)، به محط دآوری و نقد بیاید.

”

دینی جریان‌های تفسیری

- آخرین ویرایش از خاستگاه فلسفه دینی
نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت
تحلیل این خاستگاه پارادایمی به طور
خاص، متغیرهای انتظار از دین، حقیقت
دین، زبان دین، مناسبات تفسیر سمنتیک
و تفسیر هرمنوتیک، و مقتضیات معرفت
شناخت و روش شناخت نظریه و مکتب
تفسیری مزبور را در خود دارد.

اینک سطح بازخوانی معرفت‌شناخت
سر می‌رسد تا افزون بر کارکرد آن در تفسیر
متن، خاستگاه و نگاشت ادراکی نقشه جامع
علم دینی و علوم انسانی دین‌شناخت هم
منتقح شود و فرآیند پارادایمی فرآوری اجتهاد
تفسیری پیشرفت‌شناخت در ساحت علم
کارکردار پیشرفت و دانش مبنای نظام توسعه
ملی به روشنی گراید.

۲- کتاب دوم: مبانی معرفت شناخت
تفسیر پیشرفت شناخت

کتاب دوم از منظومه مبانی پارادایمی نظری
و مکتب تفسیر - تفسیری پیشرفت‌شناخت
با عنوان «مبانی معرفت‌شناخت تفسیر
پیشرفت‌شناخت» درصدد بیان این امر است
که خاستگاه شکل‌گیری ساحت معرفت
شناسی تفسیری، بنیان فلسفه دینی آن است.

در این خاستگاه، رویکرد تفسیر پیشرفت‌شناخت، مجال طرح
و حضور می‌یابد. اولین سطح نقد مقایسه‌ای این نظریه و مکتب
تفسیری با دیگر گرایش‌ها، نظریه‌ها و جریان‌های تفسیری، این
گام فلسفه دینی است و سپس، نوبت ظهور اندیشه قرآن شناخت
پیشرفت و شکل‌گیری گفتمان معرفت‌شناخت آن است.

مسأله پیشرفت در بنیان فلسفه دینی اندیشه تفسیر و نظریه تفسیر
- تفسیری، تفسیر پیشرفت شناخت را به میان می‌آورد. در این گام
می‌توان از اندیشه پیشرفت شناخت تفسیری سخن گفت. فرآیند
شکل‌گیری این اندیشه مرجع ناظر به ساحت نظام مسائل این عرصه
و سامان دانشی برآمده از آن و معطوف به آن، و کارکرداری آن در
بنیان‌پردازی دانش مبنای مدیریت دین‌شناخت پیشرفت و در نهایت
فرآوری در ذیل نظام‌شناسی دین و نظام‌سازی دین‌شناخت در ذیل
معرفت‌شناسی تفسیر پیشرفت شناخت، در دستور تحلیل است.

معرفت مرجع در سامانه تفسیر - تدبیر جهان، موضوع
این فلسفه مضاف معرفتی است. بر این اساس،

فصل‌های تحلیلی معرفت‌شناسی تفسیر

دارای سامانی چهار بخشی است:

۱- فرآیند شکل‌گیری اندیشه

حد اندک‌تری، تا ذخیره این کاربردشناسی است. جغرافیای گفتگو در باب روش چیست؟ روش چیست و چرا روش؟ بایستگی‌های روش تفسیری کدام است؟

گستره روش‌شناسی پژوهش تفسیری مساحت پاسخگویی به حداقل این مسئله‌های زیرین است:

۱- تصویر روشن از ماهیت پژوهش به طور عام و پژوهش تفسیری به طور خاص و پردازش دامنه و ژرفای مساله و نظام مسائل پیرامونی آن در پژوهش مزبور با تأکید بر گذار فلسفه دینی به این ماهیت

۲- اصل چیهستی روش و ساختار تحلیلی آن

۳- چرایی روش و کاربرد آن

۴- نوع پارادایم برگزیده معرفتی پژوهشگر تفسیری، اقتضای رویکردی معین را دارد. در برآیند سه موضوع یاد شده، نظر و رویکرد پژوهشی برگزیده، بایستی معین گردد. چه رویکردی همواره منشأ چه روشی است؟ فصلی از مباحث روش‌شناسی تفسیری رویکرد شناسی حاکم بر فرآیند عمومی برگزیده تفسیری است. تناظر نسبت رویکرد با مساله پیش روی تحقیق، بسیار حیث راهبردی دارد.

“ معرفت تفسیری و اندیشه تفسیر، بنیان پارادایمی خودویژه‌ای دارد که در دادوستد میان واقعیت‌ها و موقعیت‌های مسأله‌ای و حل مسأله، در ضمن عنوان «نظریه تفسیر» معرفی می‌شود. مسأله و دامنه نظریه، هدایت به رشد و پیشرفت، تلقی می‌شود و بدینسان نظریه تفسیر پیشرفت شناخت در دسترس تحلیل است و جستجوی از مبانی پارادایمی آن، اولویت طرح می‌یابد. بنیان فلسفه دینی، معرفت شناخت و روش شناخت آن کدام است؟ ”

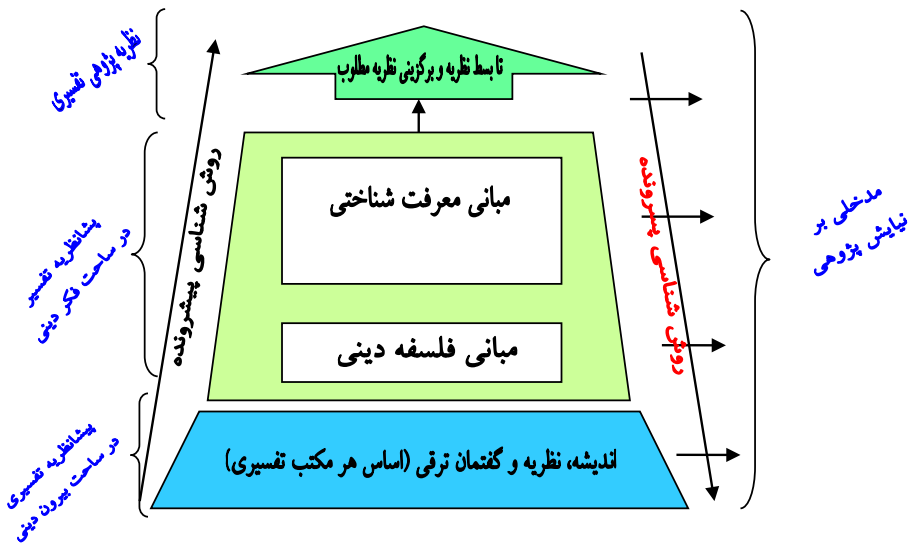
پیشرفت با نظام مسائلی چون وجه فارق الگوی برگزیده تفسیری، نقش الگوی تزلیلی در روش‌شناسی پژوهش تفسیری، اندیشه پیشرفت پژوهی و مدیریت پیشرفت؛

۲- اصول راهبردی و فنون کاربردی روش تحقیق و تفسیر مساله محور پیشرفت با نظام مسائلی چون اصول روش تحقیق به تناسب سطوح برگزیده پارادایمی مانند اصول روش پژوهش تفسیری مبتنی بر بینش فلسفه دینی پیشرفت شناخت؛

۳- منظومه روش‌های تفسیر و مدیریت تحول با نظام مسائلی چون روش‌شناسی اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی قرآن بنیان. روش‌شناسی برگزیده فراز اول

منجر به نظام اصول روش تحقیق در گام دوم شده تا مبتنی بر آن بتوان به منظومه روش‌های تفسیر و مدیریت تحول وارد شد.

فصل برجسته‌ای از رخدادهای معاصر در عرصه تفسیر قرآن کریم، رویکرد به تنقیح مبانی تفسیر و به طور خاص مبانی روش شناختی آن است. اصول روش پژوهش تفسیری با انواع مذاق‌های روش‌شناختی در متون معاصری روش تفسیر در حد مناسبی در دسترس است؛ لیکن درباره نسبت چیهستی میان این روش‌ها و چرایی آنها و کارکرد آنها در ذیل مکتب تفسیری پیشرفت‌نگر، پژوهش تفصیلی چندانی در دسترس نیست. افزون بر آن که بر فرض وجود این روش‌شناسی، کاربرد بهینه روش‌شناسی مزبور نیز کمتر دیده می‌شود و همچنان دستاوردهای اندیشه‌ای و پژوهشی علامه شهید سیدمحمدباقر صدر و برخی دیگر اندیشمندان در



۵- منظومه معارف مورد نیاز و قابل انتظار از آموزه‌های قرآنی معطوف به مساله و نظام مسائل در راستای رویکرد کلان برگزیده. معرفت‌شناسی تفسیری، ساخت پسنینی (تاریخی) و پیشینی (برگزیده) این منظومه معارف را در دستور دارد.

۶- کدام فرآیند و کدام مسیر تحقیق در نظام جامع تفسیر و به تعبیری نظام جامع تحقیقات

۷- سازوکار برآمده از فرآیند و نظام جامع تحقیقات به مدد سامانه جامع معارف معطوف به حل مساله و نظام مسائل.